

یادداشت کوتاه در باره کار ساحوی در ولایت بلخ، می ۲۰۱۵ میلادی کوکنار و معیشت روستایی

۱. مقدمه

این یادداشت شرحی از یافته‌های ابتدایی به دست آمده از کار ساحه‌ی در ده روستای ولسوالی‌های چمتال و چاربولک ولایت بلخ در جریان دو هفته نخست می ۲۰۱۵ میلادی است. مناطق مذکور که در غرب شهر مزارشریف قرار دارند، از جمله مناطق نسبتاً امن این ولایت به شمار آمده که خانواده‌ها از زمان ممنوعیت کشت کوکنار در سال ۲۰۰۷ میلادی به صورت غیر متداوم و مقطعی دست به کشت کوکنار زده‌اند. ولایت بلخ از سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۳/۲۰۱۲ میلادی به عنوان ولایت عاری از کوکنار به حساب می‌آمد. البته، بعداً کشت کوکنار به "کمترین حد" صورت گرفت، اما در ۲۰۱۳/۲۰۱۴ میلادی بازهم به عنوان ولایت "عاری از کشت" مدنظر گرفته شد. تحقیقات میدانی در جریان فصل برداشت محصولات بهاری، با توجه به شرایط رو به وخامت امنیتی در شمال افغانستان، از جمله سرپل، انجام یافت. وضع امنیتی در برخی از مناطق بلخ مانند چارقلعه به دلیل موجودیت پولیس محلی که چند سال قبل از سوی عطا محمد نور، والی بلخ، ایجاد شده بود، بهتر است. البته، به خاطر پولیس محلی تعدادی از مردم صاحب درآمد شده‌اند ولی با این حال نگرانی از نبود ثبات در درازمدت وجود دارد. وضع در چهار بولک که به صورت کامل امن نیست، به مراتب نسبت به دو سال قبل بهتر شده است. گفته می‌شود که طالبان که معمولاً از طرف شب در مناطق رفت و آمد دارند، با افرادی از کوه البرز، به ولسوالی چمتال حمله کرده، و هم‌چنان به خاطر حفاظت از مزارع کوکنار از دهقانان به میزان ۱۰ فیصد عشر جمع‌آوری می‌کنند. افت و خیزهای وضعیت امنیتی در این دو ولسوالی، شرایط مناطق روستایی افغانستان را به خوبی ترسیم می‌کند.

فهرست مطالب

۱. مقدمه..... ۱
۲. زراعت در مناطق تحت پژوهش ساحه‌ی در بهار ۲۰۱۵ میلادی..... ۲
۳. بازارها..... ۳
۴. نوآوری و تغییرات فنی..... ۴
۵. اقتصاد در سطح کلانتر..... ۵
۶. کمک‌های توسعه‌ی بی..... ۶
۷. کوکنار و مبارزه با مواد مخدر..... ۷

در باره نویسنده

پاول فیشستین (فوق لیسانس در اقتصاد کشاورزی و منابع) رییس قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان است که نخستین تجربه‌های او از افغانستان به سال ۱۹۷۷ میلادی بر می‌گردد. او اکنون به عنوان مشاور مستقل کار می‌نماید.

این تحقیق با حمایت مالی اتحادیه اروپا صورت گرفته است. مسوولیت محتوای این پژوهش به دوش (AREU) بوده و به هیچ صورت مواضع اتحادیه اروپا را منعکس نمی‌نماید.

۲. زراعت در مناطق تحت پژوهش ساحه‌ی در بهار ۲۰۱۵ میلادی

محصولات اصلی چون پخته، ماش و کنجد بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی به حال سابق خود باقی ماند.^۲ البته، کل میزان زمین‌های تحت کشت در چاربولک به خاطر استفاده از چاه لوله دار (tubewells) افزایش پیدا کرده و در نتیجه محصولات فوق در زمین‌های بیشتری کشت شدند.

شمار خانواده‌های کمتر مقروض، با توجه به دو سال خوب در برداشت محصولات کشاورزی شان، پایین بود (۴ خانواده از میان ۳۰ خانواده)، و هیچ یک از خانواده‌های مذکور قرضی از سال‌های قبل به گردن نداشتند. یکی از عوامل دیگر این قضیه می‌تواند این باشد که تاجران پخته برای کشاورزان پول پیشکی پرداخت کرده، و از این رو زمینه‌های گرفتن قرض کمتر شده بود. تمام وام‌های گرفته شده بیشتر برای مصارف روزمره خانواده و کشاورزی (شخم زنی، مواد مورد نیاز و غیره) بوده و نه به خاطر فشارهای ناگهانی مانند بیماری اعضای خانواده و یا بحران دیگری. به همین صورت، تعداد کمی از این خانواده‌ها (۲ از میان ۳۰) مجبور به فروش دارایی خود در سال قبل شدند؛ یکی از این خانواده‌ها برای تامین مصارف و دیگری برای خرید زمین مواشی خود را فروخته بودند. ۲۷ خانواده گفتند که به طور معمول مواشی خود را به عنوان منبع درآمد در بازار به فروش می‌رسانند. در واقع، نیمی از خانواده‌ها دارایی‌ها و امکانات مهمی چون زمین، مواشی، وسیله نقلیه (موتور و یا زرنج)، تراکتور، جنراتور و یا قالین خریدند.

وضعیت زراعتی امسال، در مقایسه با سال پار، به مراتب بهتر بود. میزان آب ناشی از بارندگی برای کشت در ولایت بلخ، همانند قسمت اعظم کشور، در سال ۲۰۱۴/۲۰۱۵ میلادی نسبت به سال قبل بیشتر شده بود. دهقانان پیش بینی کردند که برداشت گندم و خربوزه به خاطر عدم آفت نباتی که در سال ۲۰۱۳ میلادی زیان‌های زیادی را بر دهقانان تحمیل کرد، بسیار خوب خواهد بود (چون در دو سال گذشته دهقانان خربوزه کشت نکردند، به همین خاطر آفات نباتی نیز وجود نداشت). در کنار گندم، محصولات مهم زمستانی در این مناطق عبارت از پخته، خربوزه و تربوز است. محصولات عمده تابستانی عبارت از پخته، ماش و کنجد است. پخته به طور معمول در اوایل ماه می کشت شده و در ماه‌های اکتوبر و نوامبر برداشت می‌شود که بعداً در همین زمین‌ها گندم هم زرع می‌شود.

اکثریت ۳۰ خانواده‌ی که سروری شدند، از جمله ۱۵ خانواده در ولسوالی چاربولک، بر میزان زمین‌های تحت کشت و محصولات پر بهای شان از ۲۰۱۳/۲۰۱۴ الی ۲۰۱۴/۲۰۱۵ افزود شده است. برخی افزایش‌ها در میزان کشت، به خصوص در چاربولک، بیشتر ناشی از کار بالای زمین‌های دیگران، بوده است. برخلاف سایر مناطق کشور، چنین زمینی برای مدت زیادی در اختیار یک فرد و خانواده باقی نمی‌ماند؛ از میان ۱۰ خانواده‌ی که روی زمین‌های دیگران کار می‌کردند، ۴ خانواده سال اول، ۳ خانواده سال دوم و ۳ خانواده دیگر سال چهارم و یا سوم شان در این کار بود. در این میان یک خانواده که از میزان زمین تحت کشت اش در جریان فصل زمستان کاسته شده بود، تنها در یک جریب زمین خود در ۲۰۱۳/۲۰۱۴ میلادی کوکنار کشت کرده، و بعد از برداشت نهایی محصول دیگری را در همان زمین کشت نکرده بود. در جریان فصل زمستان، تقریباً نصف خانواده‌ها در هر یک از ولسوالی‌ها از میزان کشت گندم خود کاسته بودند. تنها سه خانواده از میان ۳۰ خانواده بر میزان کشت گندم خود افزوده، و ۱۶ خانواده دست به کشت کمتر گندم زده بودند و ۱۱ خانواده به روال سابق به میزان مورد نظر گندم کشت کرده بودند. کاهش در میزان کشت محصولات اساسی نمایانگر برداشت خوب در سال قبل بوده و در نتیجه کشاورزان قرضدار نشده بودند که این خود به امنیت غذایی خانواده‌های کشاورز کمک کرد.

شیوه‌های کشت در میان خانواده‌ها نشان دهنده تنوع روز افزون کشت محصولات زراعتی است. مهمترین تغییر در نحوه کشت، به خصوص در چاربولک، در زرع پخته اتفاق افتاد که ۱۲ خانواده از میان ۱۵ خانواده بر میزان کشت این محصول افزودند، و تنها یک خانواده به میزان کمتری از این محصول کشت کرد (که آن خانواده در فصل تابستان بر میزان مقدار زمین تحت کشت پخته افزود). در میان خانواده‌های سروری شده، کل زمین‌های تحت کشت پخته در چاربولک از ۲۷ درصد به ۳۱ درصد افزایش داشت که در مقابل در همین منطقه میزان کشت گندم از ۴۷ درصد به ۳۸ درصد تقلیل یافت. از اول ماه می در فصل تابستان، میزان زمین‌های تحت کشت

۲ از آن‌جا که تحقیق میدانی قبل از کشت تابستانی به پایان رسیده بود، اطلاعات در مورد فصل تابستان ۲۰۱۵ میلادی قسماً بر اساس حدس و گمان استوار است.

۱ در سایر مناطق شمال، این نگرانی وجود داشت که اگر وضعیت امنیتی کندوز تا زمان برداشت گندم بهبود نیابد، تامین غذایی مردم صدمه خواهد دید.



تصویر ۱: استفاده از چاه لوله دار در چاربولک

۳. بازارها

دهقانانی که در مناطق بالا سروی شدند، در اثر بهتر شدن سرک ها و دسترسی به ترانسپورت، به بازار های مختلفی جهت فروش اموال شان دسترسی پیدا کرده اند: فروش بر سر مزرعه، مرکز ولسوالی، شهر بلخ و مزارشریف. در حالی که تنها چهار خانواده گفتند که در قسمت بازاریابی برای اموال خود دچار مشکل بودند، اما دو سوم خانواده های سروی شده از این شکایت داشتند که محصولات شان به قیمت پایینی در بازار به فروش می رسد. چون در اثر وفور اجناس در فصل برداشت قیمتها افت میکنند. تمام دهقانان سروی شده خواستار سردخانه هابرای ذخیره فصلی میوه ها و سبزی های خود بوده اما ایده آل خواهد بود اگر امکانات سردخانه یی درقریه ها ساخته شده و به شکل مجانی دراختیاردهقانان قرار داده شود. (سردخانه مدرن درمزارشریف دربخش شرقی این شهر، نزدیک به میدان هوایی و سرک متصل به مسیر کابل، قرار داشته که در فاصله بسیاری زیادی از مناطق زراعتی که در غرب شهر است، موقعیت دارد. تجربه استفاده از سردخانه دارای جنبه های مثبت و منفی است.)

دو دهقانی که از مشکلات خود در قسمت یافتن بازار فروش گفتند، در مورد کنترل "مافیا" بر بازارخربوزه شکایت کردند. یکی از افراد نزدیک به عطامحمدنور، والی بلخ، که عضوی پارلمان وقومندان سابق جهادی است، مارکیت جدیدی به نام آزادی در غرب شهر مزارشریف اعمار کرده است. از آن جایی که مارکیت آزادی نزدیک به سرکی قرار دارد که نقلیه هایی با بار خربوزه داخل شهر می شود، دهقانان قادر نیستند که محصولات خود را آزادانه به بازار آورده و به شکل آزاد و بدون پرداخت کمیشن به مشتری عرضه بدارند (بنا به گفته یکی از مصاحبه شوندگان، ۵۰ افغانی برای بار یک زرنج به صاحبان محل بازار پرداخته اند). اکثر کشاورزان ترجیح می دهند که محصولات خود را در مندوی در مرکز شهر و یا بازارهای جدید در شرق کابل بفروشند چون در آن جا معامله گران بیشتری حضور داشته و در نتیجه دهقانان می توانند که محصولات زراعتی خود را به قیمت بهتر به فروش برسانند، اما با وجود این جلو فروش شان در آن جا گرفته می شود. آن گونه که یک دهقان گفت، "من مجبور شدم که محصولات خود را در مارکیت آزادی بفروشم. نمی دانم که قیمت ها در بازارهای دیگر چگونه بود." تاجران کلان به صورت مستقیم محصولات زراعتی را از دهقانان در وقت برداشت محصول می خرند.

بازار پخته، واقع در چارراهی بلخ در مرکز ولایت بلخ، هم چنان از رونق برخوردار بوده و در آن تعدادی از تاجران فعال اند. در کنار تاجران خرده په، تعدادی از کارخانه ها نیز در آن جا موقعیت دارند. قسمت زیادی از این پخته به پاکستان برده شده که در آن جا از سوی تاجران پاکستان به شکل پرچون، به دلیل ترس از بالا رفتن نرخ پخته در اثر فروش عمده، خریداری می شود. به نظر می آید که دهقانان از تکنیک بازار یابی عرضه پخته افغانی به عنوان جنس اصلی گران قیمت آگاهی داشته و می کوشند که پخته را به شکل مرتب و دسته بندی شده، بدون این که با ریزه های آن در بوجی ها خلط شود، به خریداران عرضه بدارند. با این وجود، قیمت نازل پخته آن ها که نتیجه بسته بندی ضعیف محصولات در بوجی های بی کیفیت، عدم رعایت استاندارد ها و عدم دسترسی به ابزار لازم است، هم چنان به طور چشمگیری پا برجاست.

معمولاً زنان برای چیدن پخته، با دستمزد پایین (۱۵۰ افغانی در هر روز، در مقایسه با ۲۵۰ افغانی در هر روز برای مردان) استخدام می شوند. چون، آن ها به خاطر مسولیت های خانگی برای ساعات معدودی در مزارع کار کرده می توانند. هم چنان بر اساس عنعنه رایج زنان دستمزد خود را برای خرید لباس مورد نیاز نزد خویش نگه می دارند. کشت و استفاده از پخته از تاریخ طولانی در افغانستان برخوردار بوده، و با وجود فصل طولانی رشد و نیاز شدید محصول به آب در مقایسه با سایر دانه های روغنی، به عنوان یک "کشت صنعتی استراتژیک"، به خصوص در شمال و در وادی هلمند، پنداشته می شود. با وجود این که منابع خارجی برخی از پروژه ها در بخش پخته را تمویل کردند و نتایج متفاوتی از آن به دست آمد، اما بسیاری ها باور دارند که اگر در چهارده سال گذشته سرمایه گذاری استراتژیک بالای زنجیره ارزش (value chain) پخته-یا همان فرآیند کشت محصول پخته تا تولید پارچه و لباس از آن- و به صورت کلی دانه های روغنی، انجام می شد، افغانستان شاهد توسعه صنعتی، کاهش وابستگی به واردات روغن و پارچه، تقویت امنیت غذایی، حمایت از بخش مواشی و ایجاد اشتغال می بود.^۳

۳ گزارش فنی: همایش ملی توسعه محصولات روغن دانه. ابتکار مشترک وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري و دانشگاه بلخ، به حمایت اداره مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد. سالون امیری، مزار شریف، ولایت بلخ، ۲-۱۲ نومبر، ۲۰۱۴.



تصویر ۳: دوپاشی

چرس مشکل دارد، و یک دهقان دیگر گفت که هزینه های ترانسپورتی بالا بوده که باید در کنار آن به پولیس در ایست های تلاشی نیز پولی بپردازند.



تصویر ۲: استفاده از روکش پلاستیکی برای محصولات خربوزه

نماینده مذکور در پارلمان امتیاز جمع آوری مالیه بر اساس اجاره را نیز به دست آورده است. یکی از کشاورزان دیگر گفت که او تنها در قسمت فروش

۴. نوآوری و تغییرات فنی

فروش لبنیات خانگی و سایر اجناس در شهر به خاطر بهتر شدن وضعیت جاده ها و ترانسپورت، افزایش یافته است. در گذشته شرم بود که ماست و چکۀ خانگی را به بازار آورد اما اکنون به خاطر دستیابی به بازارهای شهری این نوع دیدگاه نسبت به فروش لبنیات خریدار زیادی ندارد.

یکی از ابتکارات دیگر استفاده از روپوش های پلاستیکی و آبراهه (shallow channels) برای کشت خربوزه و تربوز است. روپوش ها دارای چندین مزیت اند: رطوبت را حفظ کرده و مقدار تبخیر آب را محدود ساخته، در نتیجه از هزینه های آبیاری می کاهد؛ در کنار آن مانع از رشد علف های هرز شده و روند باروری محصولات را سریع می سازد که این خود قیمت محصولات را بالا برده و درآمد بیشتری را نصیب دهقانان می سازد. دهقانان برای محافظت از گندم های شان از علف کش ها به طور محدود اما روز افزون، به هدف از بین بردن علف های هرز استفاده می کنند.

در میان دهقانان چمتال (۱۲ خانواده از میان ۱۵ خانواده) نسبت به چاربولک (۳ خانواده از میان ۱۵ خانواده) استفاده از علف کش ها رایج بود. بسیاری از خانواده ها استفاده از داروهای علف کش را در دو یا سه سال اخیر آغاز کرده، و هیچ یک از آن برای چهار سال متواتر استفاده نکرده بودند. شرکت تجارتي "بابه دهقان" منبع اصلی توزیع کننده تمام مواد کیمیاوی بوده و به مشتریان خدمات پس از فروش و بازاریابی نیز ارائه می کند. از داروهای حشره کش برای از بین بردن شپش های نباتی (aphids)، مگس خربوزه (melon flies) و کرم ها، عمدتاً در پخته و خربوزه/تربوز در چاربولک (۱۰ خانواده از میان ۱۵ خانواده) در مقایسه با چمتال (۶ خانواده از میان ۱۵ خانواده) استفاده می کردند. تنها یک دهقان نام حشره کشی را که در زمین خود استفاده کرده بود، می دانست. استفاده از پنل های آفتابی، البته برای روشنی و نه در زراعت و سایر پروسه های تولیدی، نیز در میان خانواده های دهقان (۲۱ خانواده از ۳۰ خانواده) رایج بود. بنا به معلومات یک فروشنده سامان آلات در مزارشریف، بازار فروش پنل های آفتابی بیشتر از هر جایی در هلمند و جنوب افغانستان گرم است.

در چاربولک میزان استفاده از چاه های لوله دار (به شکل ۱ نگاه شود) به طور قابل ملاحظه یی افزایش یافته که سهم مهم در بیشتر شدن کشت تابستانی، به خصوص پخته و خربوزه، دارد. از میان چهارده خانواده یی که محصولات تابستانی را کشت کردند، پنج خانواده کشت بیشتری در فصل تابستان کرده و هیچ یک از آنان شاهد نزول در میزان کشت خود نبودند. از یک چاه لوله دار که هزینه کندن آن برای چاه کم عمق بین ۳۰ الی ۵۰ هزار افغانی و برای چاه عمیق ۱۰۰ الی ۱۲۰ هزار افغانی می شود، سه الی چهار خانواده استفاده می کنند. جنراتورهای بزرگ برای چاه های پمپ دار نیز میان چند خانواده شریک است اما دهقانان جنراتور های کوچک را به صورت انفرادی نیز خریده می توانند. تیل دیزل برای جنراتورها از سوی هر خانواده تهیه می شود. کاهش قیمت دیزل از ۶۵ افغانی به ۴۱ افغانی در هر لیتر نیز در استفاده بیشتر از چاه لوله دار و به دست آوردن سود اقتصادی بیشتر از آن کمک کرده است. مثلاً، قیمت نازل تر دیزل برای یک خانواده معمولی هزینه های فروش محصولات زراعتی را از ۹ به ۶ درصد تقلیل بخشیده است.

با این حال، با وجود استفاده بیشتر از چاه لوله دار، دسترسی دهقانان به آب برای کشت مزارع، به خصوص در فصل تابستان که ۸۰ درصد زمین ها بی ثمر باقی می ماند، یکی از موانع عمده در مناطق سروری شده به حساب می آید. در حالی که تنها تعداد محدودی از خانواده ها از مشکل آب در کانال آبیاری در فصل زمستان شکایت کردند، ولی تمام خانواده های دهقان، به جز یک خانواده، از کمبود آب در تابستان به عنوان مانعی بر سر راه کشت یاد کردند. تعدادی از خانواده ها در مورد فساد میرآب ها و چک باشی و هم چنان ریاست آبیاری شکایت کردند ولی به نظر نمی آمد که زورمندان محلی آب را به صورت گسترده از زمین های دهقانان دریغ کرده باشند.

۵. اقتصاد در سطح کلانتر

مزارشریف به عنوان مرکز منطقه‌ی تجارت در شمال افغانستان مقصد داد و ستد بسیاری از تاجران و دوکانداران از ولایت های قندوز، تخار و بدخشان بوده که برای تامین پول مورد نیاز به وام های مکرر دم دستی (revolving credit) نیاز دارند. البته امسال، گزارش هایی وجود دارد که این نوع تجارت از رونق افتاده است چون دوکانداران با نگرانی از آینده سرمایه خودبه افرادی که از ولایات دیگری آیند، قرض نمی دهند. از جانب دیگر به خاطر جنگ در ولایت های کندز و بدخشان تاجران انگیزه یی برای آمدن از این ولایات به مزارشریف ندارند. یک دوکاندار از چاربولک که امسال و در ۲۰۱۳ مصاحبه شده بود، گفت که فروش روزانه اش ۲ الی ۳ هزار افغانی با سود ۳۰۰ الی ۴۰۰ افغانی بود. این در حالی است که در سال ۲۰۱۳ میلادی فروش روزانه ۲ الی ۴ هزار با سود ۴۰۰ الی ۶۰۰ افغانی در روز بود. او در سال ۲۰۱۳ میلادی گفته بود که فروش روزانه اش از ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ افغانی در سال ۲۰۱۲ میلادی افزایش یافته بود.

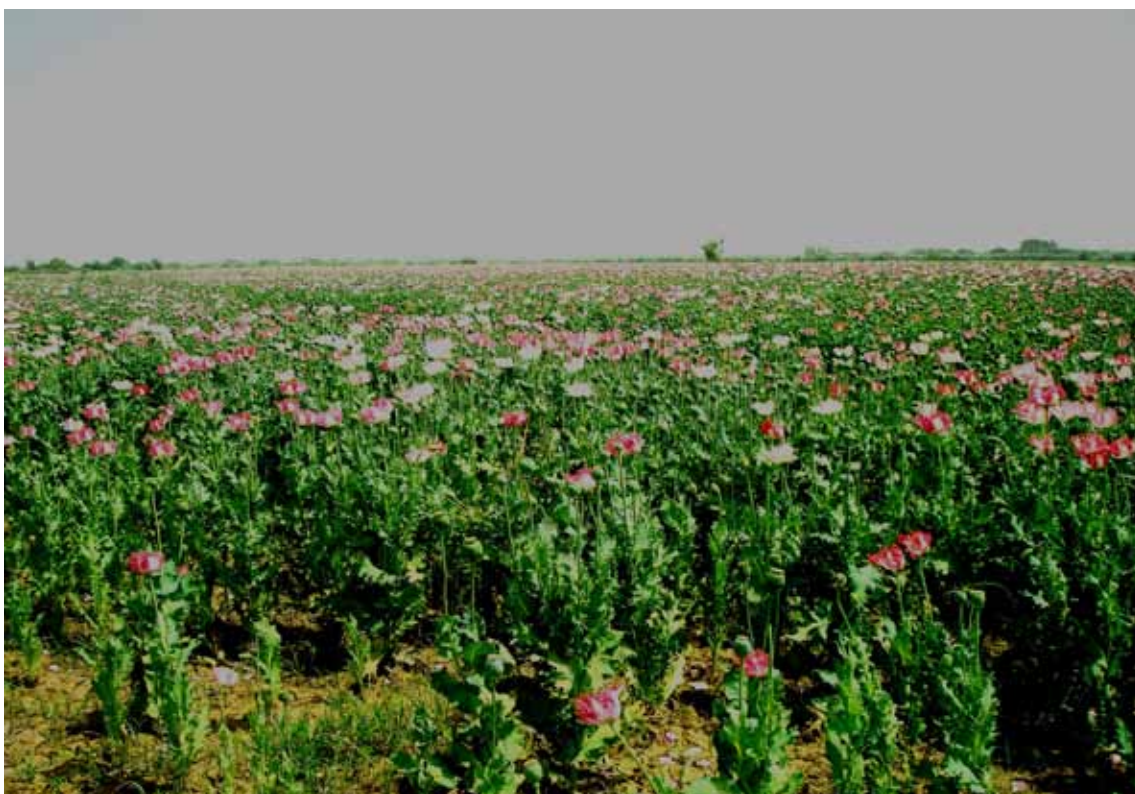
در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی، مصاحبه شوندگان از کاهش میزان مهاجرت به ایران به خاطر پایین آمدن ارزش پول ملی ایران و مهارگسترده پناهجویان تحقیر رسمی افغان ها از سوی مقامات ایرانی خبردادند. باین حال، امسال از افزایش مهاجرت به ایران و کشورهای دیگر، به خصوص از چاربولک، گزارش شده است. ۴ خانواده از میان ۳۰ خانواده سروی شده یک عضو در ایران داشته و ۲ خانواده از این چهار خانواده بیشتر از یک عضو شان در ایران به سر می بردند. با این که مهاجرت به ایران سابقه طولانی در این مناطق دارد، اما بسیاری از مصاحبه شوندگان دلیل اصلی مهاجرت را ممنوعیت کشت کوکنار در بلخ در سال ۲۰۰۷ میلادی می دانستند.

به صورت خلاصه باید گفت که اقتصاد شکوفای شهر مزار منابع درآمدزایی را برای بسیار از خانواده ها فراهم ساخته بود اما کاهش رشد اقتصادی این شهر در سال ۲۰۱۳ میلادی، شاید بالای ممنوعیت کشت کوکنار در ولایت بلخ تاثیر منفی بر جای بگذارد.

در حالی که مناطق سروی شده برای این تحقیق از شرایط مساعد زراعتی در سال دوم بهره مند شدند ولی به صورت کلی اقتصاد مناطق داخل و اطراف مزارشریف با دشواری های دست و پنجه نرم می کند. این وضعیت نتیجه عوامل چند، به خصوص ناشی از کاهش کمک های بین المللی است که باعث از بین رفتن مشاغل بسیاری در پایگاه های نظامی خارجی (بر اساس برخی تخمین ها، نزدیک به ۷ هزار نفر در کمپ مارمل در میدان هوایی و کمپ شاهین در دهدادی در غرب شهر مزارشریف کار می کردند) و پروژه های ساختمانی شد. در کنار این یک نوع فضای ابهام نیز بر اوضاع غالب شده است که به خصوص در این قسمت شکل گیری کند حکومت جدید به باد انتقاد و ملامتی گرفته می شود. پاسخ رایج به پرسش ها در باره اقتصاد و آینده آن این بود: "همه چیز به حالت تعلیق و توقف درآمده است." حتا در سطح ولسوالی هم مردم در مورد تقرری مقامات از سوی دو فرد اول حکومت وحدت ملی نیز شکایت داشتند. در این ارتباط، یک کارگر عادی در شهر مزار گفت، "دو پادشاه در یک اقلیم ننگینند." یکی دیگر توضیح داده گفت، "فکر می کنیم که حال دو پادشاه داریم و باید کارهای زیادی انجام شود اما واقعیت برعکس است."

با وجود این که هیچ نوع اطلاعات دسته بندی شده اقتصادی وجود ندارد، اما شاخص های روشنی مبنی بر افت بخش های ساختمانی، سرمایه گذاری و تجارت وجود دارد. یکی از شاخص ها اطلاعاتی است که منابع مطلع، مثلا، در مورد مواد مختلف ساختمانی در اختیار محققان این پروژه قرار دادند؛ در دو سال گذشته، قیمت های خشت پخته، سیخ گول و ریگ به ترتیب ۲۳ درصد، ۴۰ درصد و ۳۵ درصد کاهش پیدا کرده است. بنا به تخمین یکی از مهندسان نام آشنا و فعال در پروژه های کلان ساختمانی، هزینه های کارگران ساختمانی برای یک متر مربع ۴۳ درصد کاهش پیدا کرده است.

از مصاحبه با کارگران عادی می توان نشانه های عمیق رکود اقتصادی را دید. آن ها اکنون با حجم پایین کار و دستمزد های کمتر در بازار مواجه اند (۲۵۰-۳۰۰ افغانی مزد در هر روز که این رقم در سال ۲۰۱۲ میلادی ۳۰۰-۴۵۰ افغانی در روز بود). این موضوع را برنامه غذایی جهان نیز تایید می کند. بر اساس تخمین پروگرام تحلیل و ترسیم آسیب پذیری های این سازمان نرخ مبادله کارروزمزد و باقیمت گندم در بازار به شکل اوسط در یک سال، باوجود کاهش قیمت گندم، ۲۰ درصد نسبت به سال های قبل در شهر های بزرگ پایین آمده است. کارگران تازه وارد به بازار کار مزارشریف در مقایسه با کارگران آشنا با بازار کار و دارای شناخت و روابط، در وضعیت نامساعدتری قرار دارند. کارگرانی که از شغل ثابتی برخوردار نیستند، از فشارهای روانی شکایت دارند. آن ها روزها بدون هیچ درآمدی به خانه بر می گردند و نمی توانند که پول دارو و درمان عضو بیمار فامیل را تهیه کنند. رانندگان زرنج نیز از پایین آمدن درآمد شان به خاطر کاهش فعالیت های اقتصادی شکایت دارند.



تصویر ۴: مزرعه کوکنار در ولسوالی چمتال

۶. کمک های توسعه‌ی

های اخیر دریافت نداشته بودند. به طور معمول بسیاری ها در مورد نبود شفافیت در توزیع کمک های توسعه‌ی شکایت داشتند که از سال های پیش تا امروز وجود دارد: ملک ها و روسای شوراهای محلی کمک ها را به خویشاوندان خود تقسیم کرده و یا در بازار به فروش رسانده اند. هم چنان برخی دیگر در مورد کیفیت پایین بذرهای گندم شکایت داشتند که حاصل خوب غذایی نداشته است؛ هم چنان اتهاماتی وجود دارد که کسانی در ریاست زراعت و یا جای دیگر بذر های خوب اصلاح شده گندم را با بذر های بدتر تعویض کرده و به دهقانان توزیع کردند.

بنا به گزارش ها، از ده قریه یی که مورد بازدید قرار گرفت، چهار قریه در سال گذشته کمک های توسعه‌ی دریافت داشته بودند و ۶ قریه (البته در مورد یک قریه گزارش های ضد و نقیضی وجود داشت). مصاحبه شوندهگان گزارش دادند که میزان کمک های توسعه‌ی کم شده که شاید دلیل آن وضعیت نامساعد امنیتی در مناطق مذکور باشد. مصاحبه شوندهگان در یک قریه گفتند که یک چاه حفر شده و یک لوله زیرزمینی آب در کنار تالار مجالس شورا ساخته شده که فکر می شود توسط برنامه همبستگی ملی ساخته شده باشد. مصاحبه شوندهگان تنها در ۲ قریه گفتند که گندم و کود کیمیایی دریافت داشته، و هیچ یک از آن ها کمک دیگر توسعه‌ی در سال

۷. کوکنار و مبارزه با مواد مخدر

غیر قابل پیش بینی بوده و در گذشته نیز جدیت برای محو کشت کوکنار مفادی به جز لقب کوتاه مدت "والی نمونه" برای والی بلخ در بر نداشته و حتی با وجود این که منع کوکنار در این ولایت در ۲۰۱۲/۲۰۱۳ میلادی به صورت موفقانه عملی شد، اما توجه زیادی را به خود جلب نکرد. عطا محمد نور باری گفت که دیگر علاقه‌ی بی‌کمپاین شدید محو کوکنار با استفاده از زور پولیس محلی، همانند سال ۲۰۱۳ میلادی، ندارد که این خود منجر به از دست رفتن لقب ولایت فارغ از کوکنار پس از شش سال برای ولایت بلخ شد.

برخی این عدم انگیزه در والی بلخ را به گزارش اخیر دیده بان حقوق بشر نسبت می‌دهند که در آن نامش به عنوان یکی از قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر ذکر شده بود. بدون شک، بسیاری از سخنرانی‌های اخیرش از لحن تهاجمی و انتقادی نسبت به جامعه جهانی برخوردار است. در فضای موجود سیاسی، نبود انگیزه لازم برای مبارزه با مواد مخدر همزمان است با انتقادات و اظهارات خوارکننده نسبت به جامعه جهانی که به نظر منتقدان به وعده‌های خود در افغانستان عملی نکرده و این کشور را به حال خود رها کرده است. هم چنان، شایعاتی مبنی بر نزدیکی عطا و دوستم وجود دارد. در نهایت، همواره گمانه زنی‌های مختلفی در مورد تمایل عطا به محو کشت کوکنار وجود داشته است. آیا در نبود نفع مادی، هدف عطا از منع کشت کوکنار عبارت از ایجاد اعتبار برای خود بوده و یا می‌خواسته است که دسترسی رقبای خود را به منبع سود آور مالی محدود سازد که آن‌ها کنترل اش را بر بلخ به چالش کشیده توانند؟^۴ به هر حال، والی بلخ فعلاً آن انگیزه و شوروشوق گذشته برای مبارزه با کوکنار را ندارد.

فارغ از این که ارزش فعلی محصولات نشه آور در بازار چیست، دهقانان با حسرت تمام از این که از کشت کوکنار دست کشیدند، تاسف می‌خورند. چنان که یکی از این دهقانان گفت، "کسانی که امسال کوکنار کشت کردند، خوشحال هستند. چون، کمپاین محو کشت کوکنار از سوی مقامات راه نیفتاد." کسانی که خطر کشت کوکنار را به عهده گرفتند، در پایان پاداش زیادی از کار خود به دست آوردند. به هر حال تهدید تخریب مزارع دهقانان را از کشت کوکنار بازداشته بود، چون آن‌ها می‌ترسیدند که مزارع کوکنار از سوی مقامات تخریب شود. این به معنای آن است که در خزان پیش رو شاهد کشت بیشتر کوکنار خواهیم بود، به ویژه اگر وضعیت سیاسی و امنیتی به شکل اساسی به سمت ثبات و نظم تغییر نیابد و اقتصاد کشور از حالت ضعف بیرون نشود.

گفته می‌شود که استفاده از مواد نشه آور در مزارشریف از ۲ کیلو گرام به ۷ کیلوگرام در روز افزایش یافته است. با این که می‌توان افزایش در میزان مصرف را درست دانست ولی با رقم دقیقی که در مورد مصرف مواد ارایه می‌شود، به دلیل منبع ارقام با احتیاط باید برخورد کرد. گفته می‌شود که مراجعین سه مرکز درمان اعتیاد در مزار بیشتر از ظرفیت آن بوده، موثریت و کارایی چندانی هم ندارد.

دهقانان به خوبی در مورد پالیسی حکومت در مورد کشت کوکنار آگاه بودند. تمام مصاحبه‌شوندگان گفتند که پیام‌های رادیویی را در مورد موضع حکومت در ارتباط به کشت کوکنار شنیده‌اند که مشابه پیام‌های سال‌های قبل بود. البته باید گفت که نقش ملک‌ها از یک منطقه تا منطقه دیگر و از یک سال تا به سال دیگر تفاوت دارد. حس عمومی محلی این است که ملک‌ها به مردم می‌گویند که از کشت کوکنار پرهیز کنند. برخی‌ها گفتند که چیزی در این مورد از ملک‌ها نشنیده‌اند، برخی دیگر ابراز داشتند که ملک‌ها به مردم در مورد پالیسی حکومت در ارتباط به کشت کوکنار اطلاعات دادند ولی "این به عهده مردم است که به این پالیسی عمل می‌کنند و یا خیر. اگر فردا مزارع کوکنار شان تخریب شد مسوولیت آن به دوش خود دهقانان است." برخی دیگر گفتند که چون در مناطق شان برای سال‌های زیادی کشت کوکنار صورت نگرفته است بنابراین ملک‌ها در مورد منع کشت کوکنار چیزی به آن‌ها نگفتند.

در جریان کار پژوهشی ساحه‌ی دیده شد که در مناطق مذکور به صورت عمده کاری برای محو کشت کوکنار صورت نگرفته و به نظر نمی‌آید که امسال نیز چنین کاری صورت بگیرد. بنا به اظهارات دهقانان محلی، محو وسیع کشت کوکنار از سال ۲۰۰۷ میلادی به این سو در مناطق شان صورت نگرفته است. روشن بود که کوکنار در مناطق ناامن تر در غرب شهر مزار و جایی که دولت بر آن کنترل چندانی ندارد، کشت می‌شود. این مناطق تحت کشت شامل کوه البرز، چار قلعه (شکل ۴)، جایی که کار ساحه‌ی صورت گرفت، نوشیره، و هم چنان در ولایت سرپل می‌شد. چار قلعه از آب کمتری برخوردار بوده، زمین‌های آن در مقایسه با مناطق دیگر نمک بیشتری داشته و از بازار اصلی به دور است (به خصوص وقتی باران فصلی راه‌های مواصلاتی را غیر قابل استفاده می‌کند) که به همین خاطر در آن جا در مقایسه با چمتال کمتر سبزی کشت شده و در نتیجه بیشتر برای روی آوردن دهقانان به کشت کوکنار آماده است. با توجه به دلایل فوق امسال ساحات بیشتری در مقایسه با پارسال تحت کشت کوکنار قرار گرفته است. گزارش‌های معتبری وجود دارد که یک تیم بررسی‌کننده محو کشت کوکنار در سرپل و فاریاب به منظور بحث‌های مقدماتی در ارتباط به کمپاین محو کوکنار رفتند که در نتیجه به باور آن‌ها شرایط سیاسی و امنیتی برای منع کوکنار آماده نبوده و می‌تواند به خشونت و بی‌ثباتی بیشتری در این مناطق بیانجامد. بر اساس گزارش‌ها قیمت چرس پایین بوده (۳ الی ۴ هزار افغانی برای یک کیلو چرس اعلی که در مقایسه با سال ۲۰۱۳ میلادی به نصف قیمت کاهش یافته است) که این به معنای آن است که به خاطر کار زیاد از میزان کشت این ماده در مناطق مذکور کاسته شده است.

ناظران مطلع دلایل نبود کارزار محو کشت کوکنار را در سیاست ولایتی و ملی جستجو می‌کنند: در تمام سطوح خلاء رهبری وجود داشت و حکومت درگیر مسایل داخلی خود (مانند تقرر وزرا و والیان جدید) بود؛ از این منظر، عطا محمد نور، سرپرست ولایت، هیچ علاقه‌ی بی‌برانگیختن منازعه در مناطق روستایی به منظور بر آورده ساختن مطالبات جامعه جهانی در قسمت محو کشت کوکنار در افغانستان نداشت، به خصوص که شرایط سیاسی

۴ گزارش از دیوید منسفیلد "دوستان ما در شمال: تصویر متضاد از قدرت و کوکنار در ولایت‌های بلخ و بدخشان"، ۸ اپریل ۲۰۱۴.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما بعنوان استفاده کننده گان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانی‌ها و ورکشاپ‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما باارزش است. نظر های شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد.
areu@areu.org.af

همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیریید ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (+۰)۹۳ و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات،...)?
- به چه منظور از پژوهش‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تاریخ	عنوان نشریه	نام نویسنده	دری	پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
اکتوبر ۲۰۱۵	رسیدن به نقطه اوج: فعالیت سیاسی در لیسه های افغانستان	انتونو جیستازی و علی محمد علی	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اکتوبر ۲۰۱۵	فرار از مزرعه های خشک: مهاجرت دهقانان هلمندی در واکنش به بی حاصلی فصل کشت کوکنار	دیوید منسفیلد			مدیریت منابع طبیعی	خلاصه
اکتوبر ۲۰۱۵	زنان و انتخابات: عوامل تسهیل کننده و بازدارنده	اورخلا نعمت اشرف	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
اکتوبر ۲۰۱۵	رسیدن به نقطه اوج: فعالیت سیاسی در لیسه های افغانستان	انتونو جیستازی و علی محمد علی	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
سپتمبر ۲۰۱۵	در نظر داشت بافت روستا ها در افغانستان	ادم پین	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
سپتمبر ۲۰۱۵	خبرنامه تحقیقاتی افغانستان - شماره ۳۲	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان			حکومتداری	خبرنامه تحقیقی
جولای ۲۰۱۵	سیاسی سازی مکاتب لیسه افغانستان	انتونو جیستازی و علی محمد علی	✓	✓	حکومتداری	توضیح نامه
جولای ۲۰۱۵	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت قندهار	اشلی جکسن			معیشت پایدار	مقاله کاری
می ۲۰۱۵	تفکیک قوا در قانون اساسی افغانستان: یک مطالعه موضوعی	فرید حمیدی و ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	مطالعه موردی
می ۲۰۱۵	شناسایی تفاوت های روستاها در افغانستان: استفاده از تحلیل های چندبعدی برای تشخیص نوعیت روستاها	ادم پین و جورجینا سترج			معیشت پایدار	مقاله کاری
اپریل ۲۰۱۵	خبرنامه تحقیقاتی افغانستان - شماره ۳۱	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان			حکومتداری	خبرنامه تحقیقی
اپریل ۲۰۱۵	تفکیک قوا در افغانستان: نظریه و عمل	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
اپریل ۲۰۱۵	تکامل حقوق بنیادی در افغانستان: ۱۹۲۴-۲۰۰۴	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
مارچ ۲۰۱۵	ازالف تا ی کتاب رهنا برای کمک به افغانستان نسخه سیزدهم ۲۰۱۵	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	✓	✓	معیشت پایدار	کتاب
فبروری ۲۰۱۵	دوران غیر رسمی بازار پیاز در ولایت ننگرهار	جولیا مینویا	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
فبروری ۲۰۱۵	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت ننگرهار	اشلی جکسن	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
فبروری ۲۰۱۵	بازار کار، نابرابری اجتماعی و خیاطان کابل	ادم پین و ریچارد مالت	✓	✓	معیشت پایدار	پالیسی نامه
دسمبر ۲۰۱۴	چرا اطفال به تنهایی سفر می کنند؟ انگیزه های سفر به اروپا و سایر کشورهای صنعتی از منظر اطفال، خانواده ها و جوامع ارسال کننده در افغانستان	چونا آر، اچاوز، جنیفر لین بگاپورو لیحه ویلفر داری شکرپه آزاد منش	✓	✓	مهاجرت ها و شبکه های فراملتی	نشریه تحلیلی
نوامبر ۲۰۱۴	تاثیرات اجتماعی پیاز: دوران غیر رسمی مارکیت پیاز در ننگرهار، افغانستان	جولیا مینویا و ادم پین			معیشت پایدار	مقاله کاری
نوامبر ۲۰۱۴	معضل زنان و رهبری در افغانستان: درسه ها و پیشنهادات	آریا نجات	✓	✓	جنر	پالیسی نامه
سپتمبر ۲۰۱۴	نامیدی یا امید؟ کوکنار و معیشت روستایی	پاول فیشستین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	نشریه ترکیبی
سپتمبر ۲۰۱۴	کنسرسیوم معیشت مصون برنامه های تحقیق افغانستان	چونا آر، اچاوز			معیشت پایدار	بروشور
سپتمبر ۲۰۱۴	جنر، جوانان و مشارکت در بازار کار شهری: شواهد تشکیل بخش خیاطی در کابل، افغانستان	ادم پین و ریچارد مالت			معیشت پایدار	مقاله کاری
سپتمبر ۲۰۱۴	درک پیچیدگی های معضلات مربوط به آب در افغانستان	ونسنت تاماس	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: چه مسایلی مطرح است؟	محمد هاشم کمالی	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اگست ۲۰۱۴	وضعیت میکاسیم منازعات انتخاباتی در افغانستان	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	نامیدی یا امید؟ کشت کوکنار در افغانستان پس از ۲۰۱۴	پاول فیشستین و دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
جون ۲۰۱۴	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت ننگرهار	اشلی جکسن	✓	✓	معیشت پایدار	مطالعه موردی
جون ۲۰۱۴	"از بد، بدترش کردند" تمرکز خشکسالی تریاک در ساحات جنگی در ولایت های هلمند و ننگرهار	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مطالعه موردی
می ۲۰۱۴	افغانستان: تهیه روشی برای بررسی و تفکیک روستاها	آدم پین			معیشت پایدار	روش کاری
می ۲۰۱۴	اردوی ملی: بقا و ثبات فراتر از جنبه های مالی	انتونو جیستازی و پیتر کوینتن	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اپریل ۲۰۱۴	تاثیر برنامه های تامین اجتماعی و شغلی بالای رفعمحرومیت اجتماعی بر اساس یافته ها و مدارک به دست آمده از افغانستان، بنگلادیش، هند و نیپال	بابکان باباجانپان، جسیکا هگن-زنکر و ریبکا هولمز	✓	✓	جنر	مطالعه ترکیبی

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، موسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد.

در سال ۲۰۱۵ میلادی پروژه های مشخصی از سوی اتحادیه اروپا (EU)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، بانک جهانی، انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تکنیکی آلمان (GIZ-GOPA)، کمیته سویدن برای افغانستان (SCA)، مرکز مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن (SOAS)، سازمان ایالات متحده امریکا برای توسعه بین المللی (USAID)، و سفارت فنلند تمویل میگردد.